

گفت‌وگوی «شرق» با آیدا پناهنده، کارگردان فیلم «ناهید»

«ناهید» یک زن معمولی واقعی



فرانک آرتا

فیلم «ناهید» نخستین فیلم سینمایی آیدا پناهنده است. پناهنده با ساخت این فیلم توانایی‌های خود را در ساخت فیلم سینمایی نشان داد. با توجه به نوع نگاه فیلم‌ساز و ارزش‌های زیبایی‌شناسی فیلم، با کارگردان فیلم به گفت‌وگو نشستیم.

❧ با سابقه فیلم‌سازی فیلم کوتاه و تله‌فیلم، نخستین فیلم بلند سینمایی خود، «ناهید» را کارگردانی کردید. اصلا تجربیات گذشته چقدر در ساخت «ناهید» مؤثر بودند؟
من سال ۱۳۷۷ وارد دانشکده سینما-تئاتر، دانشگاه هنر در تهران شدم و لیسانس فیلم‌برداری و فوق‌لیسانس کارگردانی سینما را از آنجا گرفتم. از همان نوجوانی داستان کوتاه می‌نوشتم و اولین داستان کوتاه‌هم همان سال‌های ورود به دانشکده در مجله کارنامه چاپ شد. آن وقت‌ها هنوز «هوشنگ گلشیری» زنده بود و سردبیر مجله. از سوی دیگر، شوق دیوانه‌وارم به فیلم‌سازی، باعث شد تقریبا هر سال یک فیلم کوتاه ۱۶ میلی‌متری بسازم. آن فیلم‌ها فقط تجربه‌هایی خام و نپخته بودند و اما این فایده را داشتند که فهمیدم داستان جدی است و فیلم‌سازی شوخی نیست. دست‌کم معنای کار گروهی را فهمیدم و یاد گرفتم به‌عنوان یک دختر جوان، کار آسانی برای مدیریت گروه‌هم نخواهم داشت. اعتماد جلب‌کردن و باوراندن خود به بقیه سخت بود. خب، همه اعضای گروه‌م بچه‌های دانشکده بودند و همه فکر می‌کردیم اورسن ولزهای آینده هستیم و مدعی و مغرور بودیم اما توحالی. به‌تدریج فهمیدم باید برای فیلم‌هایم از تجربه‌ها و ذخایر ذهنی خودم استفاده کنم؛ از زندگی‌ام و از آنچه من به‌عنوان «آیدا پناهنده» زیست‌هام. با همین نیت، فیلم کوتاه «آن دست‌ها» را ساختم که با تحسین زیادی روبه‌رو شد و فهمیدم دارم درست می‌روم. مهم‌ترین تجربه‌ای که از کارنامه کاری ۱۷سال‌هام اندوخته‌ام، جدا از بحث تکنیک و فراگرفتن فن سینما، باورکردن خودم بود. «آیدا پناهنده» به‌عنوان دختر زنی که معلم زبان انگلیسی بود و دو فرزندش را با سختی‌های زیاد بزرگ کرد، با آن شیوه زندگی و زیربوم‌هایی که در گذر عمر طی کرده، چه اندیشه‌هایی در سر و چه چیزهایی برای گفتن دارد؛ همه فیلم‌های من، بازتاب تجربه‌های زندگی روزمره‌ام بوده‌اند؛ نه بیشتر و نه کمتر!

❧ عنوان فیلم، تلنگری به تماشاگر می‌زند که قرار است داستان یک زن روایت شود؛ البته اگر بخواهیم از منظر نهضت ساختارگرایی به فیلم نگاه بشود با وجود اینکه زن، محور فیلم است. روایت فیلم از دید او نیست، بلکه سعی شده از طریق دانای کل به مسائل زن نگاه شود. درست است که فیلم‌ساز قصد داشته به عمق مسائل زن نزدیک شود. اما بااین‌حال، چرا این نوع روایت را برگزیدید؟

من هیچ‌وقت نمی‌خواست‌م با محدودکردن روایت‌م به زن قهرمان فیلم، اثری کاملا زن‌محور بسازم که تمام جهان از دریچه نگاه یک زن دیده شود. من نوعی از نگاه متکثر واقع‌بینانه را ترجیح می‌دادم. این شیوه روایت، دست فیلم‌نامه‌نویس و فیلم‌ساز را برای قصه‌گویی بازتر می‌گذارد. مثل شاهراهی می‌ماند که به چندین راه فرعی تقسیم می‌شود و هرکدام از این باریکه راه‌ها، چشم‌اندازها و ویژگی‌های خودش را دارد. روایت دانای کل، این‌امکان را می‌دهد که کاراکترهای مختلف را دنبال کنیم و ببینیم دنیای فکری و روحی‌شان چگونه است و چه چالش‌هایی با قهرمان دارند و چرا دارند؟! «ناهید» مثل مرکز یک منظومه و باقی کاراکترها، سیاره‌های دیگر آن منظومه هستند. بدون هرکدام‌شان، آن منظومه، چیزی یکسر متفاوت خواهد بود.

❧ با نگاهی که فیلم‌ساز داشته، به‌نظر می‌رسد فیلم بیشتر جنبه‌های اجتماعی زندگی ناهید (ساره بیات) را در نظر داشته، درنتیجه از ملودرام خانوادگی صرف دور شده، اما درعین حال به اصطلاح تا مدیوم‌شات به ناهید نزدیک شده تا کلوزآپ. چرا روی لبه تیغ حرکت کردید؟

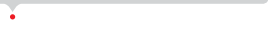
فیلم یک سوژه تا حدی ملتهب دارد. خودم این‌گونه تعریفش می‌کنم که یک انسان، در شرایط خاص، وقتی باید بین غرایز و مسئولیت‌های اجتماعی‌اش، یکی را برگزیند، دچار چه تردیدهایی می‌شود و درنهایت کدام‌یک را انتخاب می‌کند. به‌نظرم این برزخی که قهرمان فیلم باید از آن عبور کند، تردیدها و دودلی‌هایش، در فیلم بازتاب دارد و فیلم به درون مشوّش ناهید نزدیک شده. اما آنچه شما درباره‌اش حرف می‌زید شاید نوعی همذات‌پنداری با قهرمان است که در این فیلم نشان چندانی از آن نیست. حتی در جاهایی، برخی رفتارهای ناهید ممکن است باعث شود تماشاگران فیلم از او فاصله بگیرند که برخی این حس را دارند و به من هم گفته‌اند. ما در این حرکت سینوسی‌وار قهرمان در دوری و نزدیکی به مخاطب تعمدی داشتیم. ما این نوع از الگوی سینمایی قهرمان‌پرداز را که در آن قهرمان هرچه می‌کند، خوب است و هرچه می‌گوید شکر است را نمی‌پسندیم. «ناهید» یک زن معمولی واقعی است، با تمام معایب و محاسنش. ما به‌دنبال خلق فرشته‌ای معصوم و مظلوم نبودیم.

❧ انتخاب بازیگران از نقاط جذاب فیلم است که با راهنمایی کارگردان شاهد موفقیت بازی‌ها در فیلم بودیم. اصولا در بازی گرفتن از بازیگران چگونه عمل می‌کنید؟

«یژمان بازغی»، اولین بازیگری بود که یک‌سال قبل از کلیدزدن، فیلم‌نامه را خوانده لیبیک گفته بود. بعد «ساره بیات» و «نوید محمدزاده» آمدند. ساره بیات، حس‌وحال خیلی خوبی دارد. ترکیبی از زنانگی، شرم و کودکی است. من فقط می‌بایست کمی زرنگی و تخسی به شخصیت خانم بیات اضافه می‌کردم. با هم جلسات زیادی گپ زدیم و سعی کردیم هرکدام تجربه‌هایی را که داشتیم به هم منتقل کنیم. من چند فیلمی که دوست‌شان داشتم، به ایشان برای دیدن پیشنهاد کردم. ساره بیات فقط باید راضی می‌شدکه قبول کند هر زن خوب راستگویی، لزوما قهرمان خوبی برای پرده سینما نیست. یک زن سرتق لجباز شاید، قهرمان بهتری باشد! «یژمان بازغی» بازیگری بسیار باهوش و تواناست که هنوز از توانایی‌های فوق‌العاده‌اش، استفاده چندانی نشده- ترکیبی است از هوش و غریزه. تدوین را هم خیلی خوب بلد است و اولین‌بار بود که با بازیگری کار می‌کردم که راکوردش را بسیار دقیق و درست حفظ می‌کرد که کمک بزرگی به کارگردانان است. من سکوت‌ها و نگاه‌هایش را بسیار دوست داشتم و شخصیت «مسعود» را چنان خوب از آب‌وگل درآورد که من واقعا باورش کردم. مردی که سال‌ها بر کاغذ‌هایمان زندگی کرده بود، با حضور بازغی، به درستی زنده شد. «نوید محمدزاده» هم بازیگری پرنانگیزه و بااستعدادی عجیب است. هوش و درک درشتش از نقشش مایه تعجب من بود. نوید هنوز خیلی جوان است اما قدرت فهم و ادراکش به مراتب بیش از سنش است. نوید روزهای زیادی را در قهوه‌خانه‌ها و لنگرگاه‌ها پرسه زد و با آدم‌های آن طبقه‌ای که در فیلم متعلق به آنان است، بُر خورد و تکیه‌کلام‌ها و شیوه رفتارشان را یاد گرفت. کار به جایی رسید که ماهیگیران قهوه‌خانه‌ها، واقعا فکر می‌کردند نوید شمالی است. نوید حتی در پشت‌صحنه هم با همان تله‌جهگی لیلیک با ما حرف می‌زد! آن میزان



فیلم یک سوژه تا حدی ملتهب دارد. خودم این‌گونه تعریفش می‌کنم که یک انسان، در شرایط خاص، وقتی باید بین غرایز و مسئولیت‌های اجتماعی‌اش، یکی را برگزیند، دچار چه تردیدهایی می‌شود و درنهایت کدام‌یک را انتخاب می‌کند. به‌نظرم این برزخی که قهرمان فیلم باید از آن عبور کند، تردیدها و دودلی‌هایش، در فیلم بازتاب دارد و فیلم به درون مشوّش ناهید نزدیک شده



تعهدش به کار واقعا قابل ستایش بود. من اصرار داشتم که همه بازیگرها تله‌جهه شمالی داشته باشند. کار شاقی بود. برای بیات و محمدزاده، ریسک بزرگی بود. «پوریا رحیمی‌سام» بازیگر و دوست خوبم، پذیرفت که به این دو، لهجه شمالی را آموزش بدهد. روزهایی بود که خسته می‌شدیم، پشیمان می‌شدیم، نزدیکانم هشدار می‌دادند که بی‌خیال تله‌جهه شمالی بشوم. مواقعی بود که بازیگرها احساس ترس می‌کردند. من اما پایم را توی یک گفش کرده بودم و حاضر نبودم از واقع‌گرایی خوشایندی که تله‌جهه به فیلم می‌داد، بگذرم. پوریا رحیمی کار بزرگی در حق من و فیلمم کرد. خودش بازیگری جوان و بسیار باهوش و باآتیه است. اگر پوریا و حضور مؤثرش به‌عنوان برادر ناهید (ناصر)، در فیلم نبود، قطعاً «ناهید» ما چیزی کم داشت. و آن پسرک بازیگوش نابغه، آن «میلاد حسینیپور» (بازیگر نقش امیررضا، پسرناهاید) که اعجوبه‌ای است و در طول فیلم‌برداری، من و گروه‌م از آن میزان هوش و توانش شوکه شده بودیم. ما قبل از آغاز فیلم‌برداری، جلسات مرتب تمرین و گفت‌وگو داشتیم- به اضافه اینکه برای خانم بیات جلساتی جداگانه برای آموزش لهجه تشکیل می‌شد. بیات، برخلاف انتظار من، خیلی زود به تمرین‌ها واکنش مثبت نشان داد و تله‌جهه را فراگرفت. هوش و قدرت انعطافش عالی بود. راستش هیچ اسلوب مشخصی برای کار با بازیگران ندارم. هر بازیگری چه‌رخم خودش را دارد. بیا یکی زیاد باید حرف زد با یکی هیچ؛ با یکی باید زیاد بحث کرد و با یکی دیگر فقط اشاراتی مختصر کافی است. اما حضور شش‌دانگ بازیگر سرصحنه و احاطه کاملش به فیلم‌نامه و دیالوگ‌ها، چیزی است که همیشه از همه بازیگران توقع داشته و خواهم داشت.

❧ آیا با پایان بسازی که برای فیلم در نظر گرفتید، خواستید به نوعی امید را تزریق کنید و از ممیزی نجات پیدا کنید؟ چون با توجه به شرایط موجود، برای ناهید راهی برای گرفتن سرپرستی فرزندش وجود ندارد! در این صورت از واقع‌نمایی دور نشدید؟

پایان فیلم کاملا بسته است و تکلیف مشخص! ناهید تصمیمش را گرفته و دست به انتخاب زده؛ انتخاب او، اصرار بر راهی است که از ابتدای فیلم بر آن اصرار داشت. پایان فیلم، پایان دراماتیک قطعی فیلم است و توجه داشته باشید که طبق قوانین، ناهید راهایی برای بازپس گرفتن فرزندش دارد، هرچند ممکن است زمان بر و نیازمند کوشش‌های زیادی باشد. اما در عین حال، خارج از متن فیلم، کسانی که پروسه‌های طولانی و اعصاب‌خردکن رسیدگی به پرونده‌های پیچیده حضانت و طلاق را می‌دانند، بر این نکته واقفند که فیلم با اتمامش، اشاره به آغازی دوباره برای قهرمان

فیلم دارد. ارسلان امیری تعبیری دارد، می‌گوید «پایان باز بسته!».

❧ «ناهید» از فیلم‌های خوب این سال‌هاست که توسط کارگردان جوان فیلم‌اولی ساخته شده است. آیا تمایل دارید این روند را ادامه بدهید و اساسا به مسائل زنان در فیلم‌هایتان بپردازید؟ در این صورت فکر نمی‌کنید با مشکلاتی روبه‌رو خواهید شد. چون نزدیک‌شدن به مسائل زنان در مواردی (تابو) محسوب می‌شود؟

نیمی از فیلم‌های من اصلا درباره زنان و مسائل آنها نبوده است. در برخی از آنها، مردان نقش‌های اول را داشته‌اند و داستان درباره دل‌مشغولی آنها بوده است. دنیای مردان، دنیای جذابی است برایم! راستش من فقط یک فیلم‌سازم. قراری با خودم ندارم که همیشه درباره زنان و مسائلشان فیلم بسازم. به ذهنم و تخیلاتم آزادی کامل داده‌ام تا با فیلم‌سازی به آن چیزی برس‌م که برای هنرمندان، سیراب‌شدن روح و جان محسوب می‌شود. همین! جنسیت من، ممکن است عاملی تأثیرگذار بر فیلم‌سازی‌ام باشد، اما قرار نیست چیزی را بر من دیکته کند. من اول فیلم‌سازم و بعد یک زن!

❧ چطور شد که مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی وارد این پروژه شد؟

تابستان ۹۰، با «ارسلان امیری» شروع کردم به نوشتن فیلم‌نامه. قیلا ایده‌هایی داشتیم و طرح‌هایی زده بودیم. پاییز ۹۱ نسخه اولیه فیلم‌نامه آماده بود اما باز هم مرتب روی متن کار می‌کردیم و فیلم‌نامه را بارها و بارها ویرایش کردیم. اواخر پاییز ۹۱، فیلم‌نامه را برای «بیژن امکانیان» فرستادم. امکانیان فیلم‌نامه را خیلی دوست داشت و قول همکاری داد. قبلا در فیلم تلویزیونی «آبروی از دست‌رفته آقای صادقی» بازی‌کردم بود. مانع بزرگ پیش روی تولید «ناهید» بحث بودج‌ه بود. امکانیان پول نداشت و توان جذب سرمایه را هم نداشت. به آب و آتش زدم اما آنچه نبود، پول بود و درهایی که یکی از بعد از دیگری به رویم بسته می‌شد. همه فیلم‌نامه را می‌خواندند و احسست می‌گفتند. اما دریغ از یک پاییسی پول! یک‌بار معرفی‌ام کردند به یک تاجر جوان که داروهای انرژی‌زا وارد می‌کرد. با مدیر تولید فیلم رفتم به دفترش. روی میزش پر از فیلم‌نامه بود و مرتب لیخند می‌زد و گفت متأسفانه پول‌هایش را برای یک فیلم دیگر خرج کرده؛ اما به شام دعوت‌م کرد و من هم لیخند زدم و گفتم شب‌ها شام نمی‌خورم! به دفتر امور فرهنگی چند بانک خصوصی رفتم که مسئولانش مدام شعر می‌خواندند و از تابلوهای گران‌قیمتی که در حراجی برای بانک خریده بودند حرف می‌زدند، اما نتیجه‌ای حاصل نشد؛ هم‌زمان به چند مرکز دولتی سر می‌زدم که بدجور سوت‌وکور بودند و پولی در صندوق ایشان باقی نمانده بود. زنی را ملاقات کردم که اسمم مستعار داشت، همه‌جای صورتش را عمل کرده بوده و با شرط‌بندهای مسابقات اسب‌دوانی رابطه نزدیک داشت. مکالمات تلفنی با آدم‌های عجیب‌وغریب داشتیم که شیتیل‌های کلان می‌گرفتند تا از شرکت‌های صوری، وام‌های غیرصوری برابمان بگیرند و البته که ما نپذیرفتیم، دنبال در‌دسر نبودیم. بهار ۹۳، فیلم‌نامه را به مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی دادم که متصدی فیلم‌های اول شده بود. با همکاری و مساعدت آقای طباطبایی‌نژاد و رزاق کریمی و اعضای شورای فیلم‌نامه، تیرم بالاخره به هدف خود و قصه ی‌پولی‌مان تمام شد. دوستان مرکز هم فیلم‌نامه را دوست داشتند و هم از سابقه کارهایم به خوبی باخبر بودند و به من اعتماد داشتند. اگر حسن نیت طباطبایی‌نژاد و سعی و اهتمام رزاق کریمی نبود، شاید «ناهید» حالا نبود.

❧ در روند تصویب فیلم‌نامه با موانعی روبه‌رو نشدید؟

خیر، مسئله پیچیده‌ای نداشتیم. دوستان نکاتی داشتند که کلی و بنیادی نبود و ما هم لحاظ‌شان کردیم. با آن گروهی که آن موقع تعامل داشتیم، در ارشاد فیلم‌نامه‌ها را می‌خواندند. تجربه خوبی بود. بعد هم، وقتی فیلم برای شورای پویانه نمایش رفت، باز هم همه‌چیز دوستانه بود و جز یک کلمه که پیشنهاد داده بودند، چیز دیگری نبود.

❧ همکاری مجدد با ارسلان امیری چگونه اتفاق افتاد؟

من بیشترین سابقه همکاری را با ارسلان امیری داشته‌ام. چیزی قریب ۱۷ سال! از روز اول دانشکده سینما- تئاتر هم‌کلاس بودیم و بعد در ساخت نخستین فیلم‌های کوتاه‌هم، همکاری داشتیم و بعد تصمیم گرفتیم ازدواج کنیم. همیشه با هم فیلم‌نامه نوشته‌ایم و ارسلان تدوینگر فیلم‌هایم بوده. بهترین مشاورم، هم‌راهم و همفکر‌م است. اگر نبود، قطعاً مسیر کاری من، چیزی جز این بود. همیشه می‌گویند، پشت سر هر مرد موفق، یکی زن بزرگ است. فراموش نکنیم که پشت سر یک زن موفق هم (اگر بتوانم خودم را موفق بدانم البته)، مردی بزرگ و آرام و خوش‌تن دار، وجود دارد. بی‌تردید، ارسلان امیری، بزرگ‌ترین شانس زندگی من است.

❧ فیلم «ناهید» تنها نماینده سینمای ایران در شصت و هشتمین دوره جشنواره کن بود که موفق به دریافت جایزه «آینده نویدبخش» شد. این موفقیت را چگونه تحلیل می‌کنید؟

محک و معیار جشنواره کن این است که فیلم، «زبان و بیان سینمایی» داشته باشد. آنها به قصه‌گویی از طریق عناصر بصری اهمیت زیادی می‌دهند و اینکه هر فیلم، به شیوه‌ای هنری و نه تقلیدی، عناصری از فرهنگ کشوری را که در آن ساخته شده، در خود داشته باشد.

ادامه در صفحه ۱۲

یکشنبه • ۸ آذر ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۶۰ • ۹

شرق روزنامه هنر

بحران‌های سرمایه‌داری وسوسیال‌دموکراسی

صفحه ۱۰

مانتلی ریویو؛ نهادی برای کارزندگی جمعی

صفحه ۱۱

روایایی در ساعت ۲۵؛ مرور خاطرات مسعود ایران به جام جهانی ۹۸

صفحه ۱۲

همراه جشنواره

گزارشی درباره حال‌وهوای این روزهای جشنواره فجر

دبیر جشنواره: پای همه‌چیز می‌ایستم

کیانا آذر

بهمن‌ماه یعنی دوماه دیگر سالی حساس برای مجموعه سازمان سینمایی است. جشنواره فیلم فجر در این ماه برگزار می‌شود و اغلب هم معیار بررسی عملکرد یک دولت را همین مهم‌ترین جشنواره سینمایی می‌دانند. هرچند برگزاری دو دوره جشنواره قبل بنا به دلایل مختلف با فرازوفرودهایی مواجه شد، اما بخش اعظم آن مشکلات خارج از اراده سازمان سینمایی و مجموعه وزارت ارشاد بود. اما امسال تیم برگزارکننده، تیم ایوبی هستند. بنابراین آزمون سختی پیش‌روی محمد حیدری، دبیر جشنواره، قرار دارد. دو نکته مهم، شالوده هر جشنواره‌ای را تشکیل می‌دهد؛ کیفیت فیلم‌ها و چیدمان هیات انتخاب و داوری که منجر به نتیجه مطلوب می‌شود. البته با نگاهی اجمالی به فهرست فیلم‌سازیانی که علاقه‌مند هستند فیلم‌هایشان در جشنواره حضور یابد، نور امیدی دیده می‌شود. به‌طورمثال تعدد فیلم‌سازان زنان، شرکت طیف‌های متفاوت فکری از طالبی و ده‌نمکی گرفته تا مکرری، برزگر، کیمیایی، مهرجویی و... بدون درنظرگرفتن سن و سال فیلم‌سازان- باوجود گرایش افراطی جشنواره قبل به جوان‌گرایی که منجر به بازماندن فیلم‌های فیلم‌سازان قدیمی شد – می‌توان گفت می‌توان دورنمای بهتری برای این دوره جشنواره متصور شد. اما برای تحلیل منطقی باید تا آن زمان صبر کرد. مجید برزگر که امسال قصد دارد با دو فیلم در جشنواره شرکت کند، درباره این دوره جشنواره نظراتی دارد. او در دوره سی‌وچهارم جشنواره در دو نقش تهیه‌کننده و کارگردان حضور خواهد داشت. یکی فیلم «ممیرو» به کارگردانی هادی محقق که همراه رضا محقق تهیه‌کنندگی‌اش را برعهده دارد و این فیلم اخیرا هم جایزه جشنواره پوسان کره‌جنوبی را دریافت کرد و همین‌طور فیلم «یک شهروند کاملا معمولی» را کارگردانی کرده که طی یک‌ماه‌و نیم گذشته در جشنواره فیلم شیکاگو و تسالونیکی شرکت کرد و به موفقیت‌هایی دست یافت. او در وهله نخست معتقد بود: «وقتی به فهرست فیلم‌هایی که تا این لحظه به دبیرخانه ارسال



شدند نگاه می‌کنم، می‌بینم با توجه به اسامی فیلم‌سازان می‌توان نوید امیدواری را حس کرد. چون از هر طیف فکری دست‌کم یک فیلم وجود دارد و اتفاقاً فیلم‌سازان قابل‌احترامی هم هستند. البته درنهایت تعدادی فیلم به بخش سابقه راه می‌یابند و تعدادی هم بازمی‌مانند. اما بیش از هر چیز روکرد و نگاه جشنواره مهم است».

کارگردان فیلم «پرویز» درادامه درباره انتظارات خود از جشنواره گفت: «درواقع اگر جشنواره قصد دارد که صرفا ویتربنی از فیلم‌های یک‌سال گذشته سینمای ایران را به نمایش بگذارد و فقط به جریان اصلی و موفق در گیشه توجه کند و درعین‌حال دل همه فیلم‌سازان را به دست بیاورد که خب بحث دیگری است. اما اگر می‌خواهد معیار را زیبایی‌شناسی سینما و پیداکردن استعدادها قرار دهد، در این صورت باید در چیدمان هیات انتخاب و اعضای داوری نهایت دقت را داشته باشد. از همه مهم‌تر اینکه زیر بار هیچ مصلحت و فشارهای خارج از سینما نرود. چون روند جشنواره تا‌به‌حال این‌گونه بود که می‌خواهد شبیه جشنواره‌های حرفه‌ای دنیا مثل کن، ونیز و... عمل کند. اما درنهایت نتیجه آت‌جهان که باید در خدمت سینما نبوده است! چون یکی از وظایف جشنواره، ایجاد رقابت و کشف استعدادهایی در مسیر گسترش زبان سینماست».

برزگر در ادامه در برابر این پرسش که جایگاه سلیقه هیات داوری در کجا قرار می‌گیرد، پاسخ داد: «منظورم سلیقه نبود. چون هر جشنواره‌ای صاحب سلیقه و رویکردی است. بلکه منظورم روند کلی و شالوده و بنیان یک جشنواره است که طبعاً اگر از آن فاصله بگیرد، دیگر جشنواره به‌معنای حرفه‌ای نیست و به تعریف ضیافت نزدیک می‌شود. مثلا در دهه ۶۰ فیلم «خانه دوست کجاست» عباس کیارستمی سیمرخ بلورین بهترین فیلم را دریافت کرد. اما امروز حتی تصور نمایش چنین فیلمی در جشنواره فیلم فجر بعید به نظر می‌رسد! به همین دلیل معتقدم جشنواره فیلم فجر به‌مرور از اهداف اولیه خود دور ماند. پس بهتر است هرگونه محافظه‌کاری را کنار بگذارد و به دستورالعمل‌های خارج از سینما توجه نکند و واقعا معیار را «سینما» قرار بدهد». محمد حیدری در گفت‌وگو با «شرق» رویکرد کلی جشنواره امسال را چنین توصیف کرد: «از نظر ما این دوره جشنواره جایگاه خاصی دارد و در مرحله گذار است. چون ۳۳ دوره را پشت‌سر گذاشته. به همین دلیل به این نتیجه رسیدیم که بهتر است برای ارتقای کیفیت آن تغییرات شکلی و اجرایی در برگزاری آن بدهیم. بنابراین در همه بخش‌ها سعی کردیم مشورت بگیریم و از مشاوره‌ها حداکثر بهره را ببریم. یکی از ویژگی‌های این دوره، جدا حضور از جوانان، رویکرد کلی جشنواره مختلف فکری است». این مدیر سینما در برابر این سؤال که چه تضمینی وجود دارد که اتفاقی که برای فیلم «عصبانی نیستم» افتاد، امسال برای فیلم دیگری نیفتد، گفت: «تمام تلاشمان این است که دیوار بی‌اعتمادی را میان فیلم‌سازان بشکنیم و به نظرات هیات داوران تمکین کنیم. به عبارت دیگر در محدوده قانون و اختیار اتمان با توجه به امکانات سینمای ایران پای همه‌چیز بایستیم».

بین‌الملل

«مَرگ ماهی» در تورنتو

شرق: فیلم سینمایی «مَرگ ماهی» به کارگردانی سیدروح‌الله حجازی به بخش مسابقه اولین جشنواره فیلم‌های ایرانی تورنتسو کانادا راه یافت. اولین جشنواره فیلم‌های ایرانی تورنتوی کانادا از ششم آذر آغاز شده است و تا نهم آذر ادامه دارد. «مَرگ ماهی» پیش از این، در جشنواره‌های مختلفی مانند مونترال کانادا، جشنواره فیلم‌های ایرانی لندن، جشنواره فیلم‌های ایرانی استرالیا و... حضور داشت. «مَرگ ماهی» پربازنگرترین فیلم جشنواره فجر دوره قبل بود که این روزها در انتظار اکران در سینماهای ایران است.



در «مَرگ ماهی» نیکی کریمی، علی مصفا، طناز طباطبایی، ریمارامین‌فر، بابک کریمی، بهرنگ علوی، حسام محمودی، مروراید کاشیان، با هنرمندی پانته‌ا بهرام، بابک حمیدیان، رابعه مدنی و سحر دولتشاهی و همچنین کیمیا مرادیان، ملیکا پارسا، حسام رحیمی‌منش (بازیگران خردسال) ایفای نقش کرده‌اند.

نمای دور

مستندهای پنجمین جشنواره فیلم خورشید

شرق: مستندهای رادایفته به بخش مسابقه اصلی «پنجمین جشنواره فیلم مستقل خورشید» معرفی شدند. هیات انتخاب آثار بخش فیلم پنجمین دوره جشنواره متشکل از: محمدرضا اصلانی، وحید وکیلی‌فر، حسن نقاشی، هدی سیاه‌تیری و مهدی یارمحمدی، از میان فیلم‌های رسیده به دبیرخانه، آثار ذیل را شایسته حضور در بخش مسابقه مستند این جشنواره می‌داند.

خواب / مریم حق‌پناه؛ آی‌آرتمان مورچه‌ها / توفیق امانی؛ بینه‌لر / سسولماز علیرزاده؛ جِل / صفر بشارتی- مسعود میرزایی؛ اتاق سفید / محمدحسین صفری؛ اعتصاب / اردوان تراکمه

«پنجمین جشنواره فیلم کوتاه مستقل خورشید» به‌عنوان رویداد ویژه سینمای مستقل تجربی در کشور به همت پایگاه حمایت از فیلم کوتاه مستقل و دبیری مهدی یارمحمدی، دی‌ماه سال جاری در پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری در تهران برگزار می‌شود. لازم به ذکر است همه آثار اعلام‌شده پس از تأیید دفتر نمایش خانگی، مستند و کوتاه سازمان سینمایی و دریافت مجوز نمایش، در جشنواره به نمایش درخواهند آمد.

